

روابط ایران با دول معظم

دردمان جانشینان کریم خان زند

۱- روابط ایران با فرانسه

روابط ایران و فرانسه در زمان کریمخان زند بسیار صمیمانه بود زیرا فعالیت‌های استعمارگرانه انگلستان در هند عملاً رهبر بزرگ ایران را نسبت به نیات آنان هراسان ساخته بود.

فرانسویان نیز از این فرصت و موقعیت عالی بخوبی بهره برداری کردند و توانستند با دولت ایران روابط بازرگانی گسترده‌ای ایجاد نمایند. سیوروسو (۱) و پیرو (۲) که کنسول فرانسه در بصره بودند با اقدامات پیگیر موفق شدند رقیب دیرینه خود انگلستان را عقب زنند و امتیازات بزرگی از دولت وقت ایران کسب نمایند.

روابط ایران با فرانسه عملیات تحت تأثیر مناقشات داخلی اروپا و درگیری‌های امپراطوریه‌های بزرگی بود که در آستانه استعمار ملل عقب مانده هر یک سهم بیشتری برای خود طلب میکردند. بویژه اتحاد روسیه و اطریش در سال ۱۷۳۵/۱۱۴۸ ه. ق دربار فرانسه را سخت متوحش ساخت. زیرا هدف این اتحاد تجزیه امپراطوری عثمانی بود که فرانسه از متحدین آن بشمار میرفت و چنانچه روسیه و اطریش میتوانستند امپراطوری عثمانی را به نفع خود تجزیه کنند فرانسه در موقعیت خطر ناکی قرار میگرفت.

تمام فعالیت‌هایی که بعد از اتحاد روسیه و اطریش بوسیله امپراطوری‌های اروپایی صورت گرفت هدفی جز این نداشت که بنحوی پای ایران به مناقشات یاد شده کشیده شود. چنانکه در مقاله پیش دیدیم روسها منتهای کوشش را بکار بردند تا بتوانند مساعدت پادشاهان ایران را در جنگ‌های خود علیه امپراطوری عثمانی کسب کنند. لیکن عملاً به نتایج مؤثری دست نیافتند. از سوی دیگر سیاست خارجی فرانسه همیشه بر این اصل استوار بود که از هر گونه همکاری

1-Sieur Rousseau

2-Sieur Pyrauet

روس و ایران علیه عثمانی جلوگیری بعمل آورد. و دیدیم که در زمان کریمخان زند به این هدف خود رسید و نظر مساعد و کیل دانست به هدفهای خود جلب نمود (۱).

پس از مرگ کریمخان ظاهرآ هرج و مرج شگرفی که سرتاسر ایران را در بر گرفت روابط ایران و فرانسه بحال رکود درآمد. اما بلافاصله پس از بقدرت رسیدن علی مرادخان زند در سال ۱۱۶۸/۱۱۹۶ ه.ق که ایران آرامشی دو باره یافت امپراطوریهای اروپائی بفکر کسب اتحاد ایران با خود افتادند.

نخست کنت نولی فرستاده امپراطوری اطریش به اصفهان آمد و معاهده‌ای بادولت ایران بست. ظاهرآ این معاهده و نیز دوستی ایران و روسیه سبب شد که لوئی شانزدهم کنت فریه دو - سو بوف را روانه دربار ایران نماید تا اتحاد ایران را با روسیه و اطریش برهم زند و بکوشد تا باتشویق ایران به همکاری با عثمانی سداستواری در برابر افزون جوئیهای روسیه و اطریش پدید آورد.

کنت فریه در ۲۲ ژوئیه ۱۷۸۳ (۱۱۹۸ ه.ق) از پاریس حرکت کرد و در ۳۱ ژانویه ۱۷۸۴ (۱۱۹۹ ه.ق) به بغداد رسید. در این شهر یک منشی ایتالیائی را که قبلاً با کنت نولی فرستاده امپراطوری اطریش همکاری داشت به همکاری خود برگزید و در ماه مارس همان سال وارد اصفهان گردید.

کنت فریه در آغاز مأموریت خود با دشواریهای روبرو شد زیرا سفر او به ایران غیر رسمی بود و بهمین دلیل نمیتوانست بعنوان نماینده دولت فرانسه بادولت ایران تماس برقرار سازد. خودوی از بلا تکلیفی آغاز ورودش به ایران نگران بود و به شکوه نوشت که: اینک در ایرانم لیک مانده‌ام که چه بگویم و چه کنم. از من انتظار کوشش و تلاش دارند اما چگونه؟ کدام وسیله را بمن دادند؟ ناگزیر باید بی‌نامه‌ای و پشتیبانی و عنوانی به دربار رخنه کنم (۲). اما سرانجام تماسهای لازم برقرار گشت و میرزا ربیع وزیر علمیرادخان با کنت فریه به گفتگو نشست. کنت فریه در مارس ۱۷۸۴ به میرزا ربیع گفت که جناب وزیر من دوست نظامی شما هستم. بانها باشما گفتگو کرده‌ام و اینک در خدمتگزاری حاضرم. اطمینانی که سال پیش بمن دادید و آن رفتار دوستانه و شایسته‌ای که علمیرادخان نسبت به من روا داشت مایه سپاسگزاری است. من نیامده‌ام که مشتهای خود را بسوی دشمنان شما گره کنم. بلکه آمده‌ام تا مشتهای آنها را پیش شما باز کنم و دسیسه‌های شان را برای شما آشکار سازم. پادشاه فرانسه نسبت به بدبختی‌هایی که به شما روی خواهد آورد حساسیت دارد و روابطش با همسایه‌تان عثمانی

1-Comte Noli

۲- آدرشیوملی فرانسه، مکاتبات کنسولی با ایران، جلد هشتم از صفحه ۲۴ الی ۴۲

گزارش کنت دو سو بوف.

حسنة است. لیکن نفع شما در این است که با ملت عثمانی همبستگی داشته باشید و از دشمنی پرهیزید. آری جناب وزیر! شاه فرانسه از قدرت خود سود نمی برد مگر برای برقراری و حفظ تعادل نیروها و صلح میان ملت‌ها و پایداری موفقیت هر کدام از آنها آرزوی شاه فرانسه این است که علیمرادخان را از علاقه خود نسبت به ایران آگاه سازد. او می‌خواهد بار دیگر روابط بازرگانی ایران و فرانسه بخوبی عهد صفویه شود (۱).

مذاکرات میرزا ربیع و کنت فریه ادامه یافت و کنت فریه کوشید تا بهر نحو ممکن دولت ایران را نسبت به مقاصد تجاوز کارانه روس‌ها علیه ایران بیمناک سازد و آن را به اتحاد با عثمانی وادارد. کنت خطاب به میرزا ربیع گوید که وی گمان کنت نولی در باره اتحاد روس و اطریش و ایران بر سر تقسیم امپراطوری عثمانی با دولت ایران گفتگو کرده است. لیکن متأسفانه اطمینان بی‌اندازه علیمرادخان به گفتار فرستاده اطریش موجب شده است که وی با شتابزدگی در این مورد تصمیم بگیرد. زیرا در این زمان که علیمرادخان بتازگی از جنگ‌های داخلی رهایی یافته و به سلطنت رسیده است نمیتواند به يك جنگ خارجی کشیده شود. برای جلب نظر ایرانیان بهتر آنست که آنها را از صلح و آرامش بر خود دار ساختن اینک آنها را در خشم و شهوت جنگ نگاه داشت. من خیر و صلاح ملتی را که ازین همه جنگ داخلی به ستوه آمده در صلح می‌بینم بعلاوه کنت فریه دولت ایران را از مقاصد پنهانی روسیه برای تصرف گرجستان بیم‌داد و اظهار داشت که سرانجام روس‌ها به این منطقه تجاوز خواهند کرد (۲).

عاقبت کنت فریه توانست نظریات دولت فرانسه را به دولت ایران بقبولاند و بار خنهای که بدربار ایران کرد و حتی نقشه‌ای را که کنت نولی به دولت ایران داده و در آن مسیر عبور سپاه روسیه از قلمرو ایران را مشخص کرده بود به نیرنگ (۱) بدست آورد. بر اساس توافق میان کنت فریه و دولت ایران معاهده ایران و اطریش و روس فسخ شد و بدینگونه سفر نماینده غیر رسمی دولت فرانسه با موفقیت روبرو گردید لیکن با مرگ علیمرادخان در سال ۱۷۸۴ / (۱۹۹۵ ه. ق) بار دیگر همه نقشه‌های فرانسه بر باد رفت. کنت فریه که از جان خود بیمناک شده بود سرانجام در ۱۷۸۹ (۱۸۰۴) به کشور خود بازگشت.

وی به دولت فرانسه پیشنهاد کرد که برای نفوذ در ایران به مداخله در امور داخلی ایران دست بزند. بر اساس پیشنهاد وی می‌بایست از اوضاع آشفتن ایران که بر اثر نبردهای خونین آقامحمدخان و محمدجعفرخان ایجاد شده بود استفاده شود و دولت فرانسه با پشتیبانی از احمد خان خوئی حاکم خوی که در آذربایجان قدرت فراوان داشت، او را به سلطنت ایران برساند.

۱- آرشیو ملی فرانسه مکاتبات کنسولی با ایران، جلد هشتم از صفحه ۲۴ الی ۴۲، گزارش

کنت فریه دوسوبوف

۲- همان مرجع

بدین منظور باید واسطه‌ای نزد احمد خان خویی فرستاده میشد که پس از تماس با رهبران لزگیان و نیز هادی خان رشتی مقدمات شورش بزرگی که به پیروزی طرفداران فرانسه منجر میگشت پی‌ریزی شود. لیکن اوضاع داخلی فرانسه بر اثر انقلاب کبیر ۱۷۸۹م (۱۲۹۴ ه. ق) چنان آشفته شد که پیشنهادهای کنت فریه به فراموشی سپرده شد. در کتاب فوائد صفویه (۱) آمده است که چون در سال ۱۷۷۴ (۱۱۹۹ ه. ق) علیمرادخان در گذشت و خیرمرگه او به فرزندش شیخ‌ویس خان که در تهران اقامت داشت رسید وی دوتن از فرستادگان پادشاه فرانسه را دستگیر کرد و زیر شکنجه قرارداد تاهر چه دادند در اختیار او بگذارند. یکی از فرستادگان زیر شکنجه در گذشت و دیگری پس از دادن سی هزار اشرفی روسی با میانجیگری بازرگانان ایرانی از مرگ‌رهایی یافت.

بدرستی روشن نیست که این دوتن که بودند زیرا تا آنجا که میدانیم در این زمان جز کنت فریه دوسوبوف و همکار ایتالیائی‌اش افراد دیگری به نمایندگی از جانب دولت فرانسه در ایران حضور نداشته‌اند.

۲- روابط ایران و انگلیس

کریمخان زند بعلمت هراسی که از خواسته‌های استعمارگرانه انگلیسها داشت رفتار غیر دوستانه‌ای با آنها در پیش گرفت و حاضر نشد با تقاضایشان موافقت کند. با این همه انگلیسها در تجارتخانه‌ای که در بصره برپا کرده بودند بکار خویش ادامه میدادند و دولت ایران نیز ممانعتی از فعالیت بازرگانی آنان بعمل نمی‌آورد.

در سالهای آخر زندگانی کریمخان، شورش بصره برپا شد و صادقخان برادر او پس از یکسال محاصره شهر مذکور شورش مردم آنرا با خشونت بسیار سرکوبی نمود. لیکن نسبت به انگلیسها که در تجارتخانه آن دولت کار میکردند روش دوستانه‌ای در پیش گرفت.

در نتیجه این روش دوستانه، میان یکی از مأمورین انگلیسی بنام سرهارفوردر جونز و وزیر صادقخان، میرزا حسین فراهانی، روابط صمیمانه‌ای برقرار گردید.

پس از مرگ کریمخان، میرزا حسین فراهانی به وزارت اعظم جانشینان اودست یافت و همین امر سرهارفوردر، جونز را بر آن داشت تا از موقعیت او بهره‌گیری و به ایران سفر کند. از این رو در سال ۱۷۸۷ (۱۲۰۲) به ایران آمد و در شیراز از پذیرائی گرم میرزا حسین فراهانی برخوردار شد و سرانجام توانست فرمان زیر را در ژانویه ۱۷۸۸ (۱۲۰۳) از محمدجعفر - خان زند دریافت دارد.

۱- فوائد صفویه یا نگارستان تألیف ابوالحسن بن ابراهیم قزوینی، نسخه خطی

فرمان محمد جعفر خان

بنام خدای جهان آفرین، فرمان عالی، اما بعد از آنجائیکه ماهمیشه خواهانیم که تجار و قوافلی که در مملکت ما آمد و رفت میکنند در ظل حمایت ما بوده در مهدامن و امان باشند و مطمئناً بکار تجارت خود مشغول شوند برای مساعدت با آنها آنچه که ما را در قوه باشد در حق آنها دریغ نخواهد شد.

بنابر این فرمان مطاع برای تمام حکام و فرماندهان شهرها و قلاع بتمام سرداران و مأمورین جمع آوری حقوق گمرکی صادر میشود که در باره تمام عمل ملت انگلیس که بقصد تجارت به مملکت ما وارد شده و مشغول تجارت هستند نهایت همراهی و مساعدت مرعی دارند که همه آنها راحت و آسوده بدون مزاحمت احدی در امور تجارتی خود، خواه برای متاع صادره مشغول باشند و می باید از آنها حمایت و حفاظت شود. عمل دولتی نباید بهیچ اسم و رسمی از آنها مالیات حق راهداری مطالبه کنند و بهیچ عنوانی نباید از نمایندگان ملت انگلیس وجهی مطالبه شود و رفتارشان نسبت با آنها باید طوری دوستانه باشد که آنها با اطمینان نموده در رفت و آمد خودشان کاملاً آزاد باشند و همیشه باید بدون دغدغه خاطر مشغول تجارت خود بشوند در هر موقع که مال التجاره خودشان را بفروش میرسانند در نقل و انتقال و جوه آن مختار می باشند و از طرف شما نباید ممانعتی بعمل آید. لازم است دوست محترم ما بالیوز انگلیسی مقیم بصره بخوبی بداند که عواطف و همراهی ما در باره شما بسیار زیاد و فوق خیال شماهاست و برای امتحان بهتر است بازمایش بگذرانند و ملت انگلیس را تشویق کنند که در ایران به تجارت خودشان توسعه دهند. در آنوقت مشاهده خواهند نمود ما نهایت درجه برای حفظ امنیت آنها خواهیم کوشید.

بعلاوه هر اندازه متاع ملت انگلیس وارد ایران گردد هیچ مانع و عایقی برای ورود آن سدره نخواهد بود و آزادانه در هر کجای ایران بخواهند میتوانند متاع خودشان را بفروش رسانند و پس از فروش هم در تحت حفاظت ما آسوده خاطر و جوه آنرا برگردانند. ما قول میدهم که بهیچ اسم و رسم یا عنوانی از آنها وجهی دریافت نداریم و اگر سابقاً قرار بوده حقوق گمرکی مطالبه شود بعد از این فرمان ما بهیچ عنوانی مطالبه حقوق گمرکی نخواهیم نمود و آنچه هم در سابق برقرار بوده ما آنها را لغو و باطل مینمائیم. از این تاریخ تمام آنها باطل است و فراموش خواهند شد. بتاريخ هشتم ربیع الثانی يك هزار و دوست و دو مطابق هیجدهم ژانویه (۱۲۰۳) (انتهی).

چندی بعد میرزا حسین فراهانی به قصد زیارت مکه از بصره گذشت و سرهارفورد جونز از او پذیرائی شایانی بعمل آورد. در این سفر میرزا حسین از او دعوت کرد که بار دیگر به ایران سفر نماید و این سفر در بهار سال ۱۷۹۱ صورت میگیرد (۱).

در باره علت این سفر سرهارفورد جونز می نویسد که لطفعلیخان زند برای تهیه سپاهی مجهز که بتواند در مقابله با قوای قاجار پیروز شود تصمیم داشت دو الماس کوه نور و دریای نور را بفروشد. در اجرای این تصمیم میرزا حسین فراهانی بیکى از تجار بوشهر بنام خلیل نامه نوشت و چون خلیل خود صلاح نمیدید در این کار پاپیش بگذارند از تجارخانه انگلیس در بصره درخواست نمود تا واسطه اینکار شود.

سرهارفورد جونز در شیراز مذاکرات مفصلى در باره خریداری الماسهای گرانبهای یادشده با لطفعلیخان و اطرافیانش بعمل آورد لیکن پیش از اخذ نتیجه، خان زند لشکر کشی خود را به اصفهان آغاز کرد. در همین هنگام حاجی ابراهیم شیرازی سر به شورش برداشت و لطفعلیخان را از مقرر حکومت خود بیرون راند.

سرهارفورد جونز پیش از آن اقامت در شیراز را بصلاح خود ندید و در ماه نوامبر با کسب اجازه از حاج ابراهیم شیرازی عازم بصره گردید. در میان راه بار دیگر با لطفعلیخان زند در صحرای خشت دو بروشد و با پیشنهاد کرد که بوشهر را پایگاه خود قرار دهد و برای آن بوسیله مهندسین انگلیسی استحکامات ارزنده ای بسازد تا در برابر حمله قوای قاجار مصون بماند. آنگاه بانمایندگان دولت انگلیس در هند تماس برقرار سازد و احتمالاً به نتایج بزرگ و پر ارزشی دست یابد (۱).

بهر حال وقایع بعدی بگونه ای روی داد که پیشنهادهای سرهارفورد جونز بکار نیامد و با اینکه وی در تمام کتاب خود هدف سفر به ایران را خرید دو الماس ارزنده کوه نور و دریای نور نوشته است، بی گمان در پس پرده مأموریت هائی داشته که بخاطر سرگردان شدن لطفعلیخان موفق با اجرای آنها نگشته است.

۱- تاریخ قاجارها، صفحات ۷۴ و ۷۵

۱- همان کتاب، صفحه ۷۵